

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال هشتم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

بررسی دلایل مشهور نشدن اثری در سیره نبوی

(متّم السیر فی فضیلة خیر البشر)<sup>۱</sup>

معصومه هارونی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

شهرزاد نیازی<sup>۳</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مهرداد چترایی<sup>۴</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

محبوبه خراسانی<sup>۵</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

#### چکیده

طریقه، سنت و روش زندگانی پیامبر(ص) همواره از موضوعات مورد توجه مسلمانان بوده و به همین دلیل آثار فراوانی در این باره تحت عنوان سیره تألیف شده است. اثری در همین موضوع با عنوان متّم السیر فی فضیلة خیر البشر در قرن نهم به قلم عبدالعزیز ملقب به محیی الحصار تألیف شده است. مؤلف، این اثر را در هفده مجلس تدوین کرده است که از آغاز خلقت و آفرینش آدم آغاز می‌شود و با

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱

۲. masoumehharooni@gmail.com

۳. niazi\_60@yahoo.com

۴. m\_chatraei@yahoo.com

۵. najafdan@gmail.com

تولد پیامبر(ص) و حوادث زندگی ایشان ادامه می‌یابد و سرانجام با ذکر اموال و دارایی‌ها و اشاره به دوران پس از ایشان و روی کار آمدن خلفا پایان می‌یابد. نسخه منحصربه‌فرد این اثر به شماره ۲۸۵۴ در کتابخانه نور عثمانیه نگهداری می‌شود. نوشتار حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، به دلایل ناشناخته ماندن این اثر پرداخته است. بررسی اثر نشان می‌دهد که دلایلی از جمله تک‌حوزه‌ای نبودن، تک‌نسخه بودن، ناشناس بودن مؤلف، نپرداختن دیگر منابع سیره به این اثر، اشتباهاتی از جمله روایات و حکایات جعلی و تعصبات مذهبی مؤلف سبب شده‌اند این اثر از نگاه محققان و سیره‌پژوهان دور بماند.

### واژه‌های کلیدی:

متمم‌السیر، قرن نهم، سیره نبوی، تعصب، جعل.

### ۱. مقدمه

#### ۱-۱. بیان مسئله

کتاب‌هایی را که درباره پیامبر(ص) گرامی اسلام تألیف شده‌اند، می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

الف) کتب عمومی: کتاب‌هایی که مطالب آن‌ها معمولاً از آغاز خلقت و آفرینش آدم(ع) شروع می‌شود و تا دوره پیامبر(ص) و حتی گاهی دوران پس از ایشان را نیز شامل می‌شود.

ب) کتب اختصاصی: تألیفاتی که تنها به مباحث پیامبر(ص) پرداخته‌اند؛ این آثار نیز چند دسته‌اند:

ب-۱. کتاب‌هایی که با هدف سیره‌نگاری تدوین شده و شامل سیره و مغازی آن حضرت هستند.

ب-۲. دلایل‌نگاری‌ها: کتاب‌هایی با عنوان *دلائل النبوة* و *آیات النبوی* و *اثبابة النبوة* که درباره معجزات و دلایل نبوت رسول خدا(ص) هستند.

ب-۳. کتاب‌هایی که درباره اخلاق و شخصیت رسول خدا تألیف شده‌اند.

همچنین کتاب‌هایی با موضوع سیره دیگر اهل بیت پیامبر (ص) نوشته شده است. سیره‌های فراوانی از همان صدر اسلام نوشته شد و برخی از آن‌ها مانند سیره ابن‌هشام، ابن‌اسحاق و ابوحاتم تمیمی بستی، ابن‌ماجه و ابن‌حزم اندلسی این اقبال را داشتند که مشهور شوند و دیگر سیره‌نویسان از آن‌ها بهره ببرند یا مطالب آن‌ها را نقد کنند. اما برخی از سیره‌ها این اقبال را نداشتند که مورد توجه دیگران قرار بگیرند و به شهرت برسند. در نوشتار حاضر یکی از این سیره‌ها توصیف و تحلیل شده است تا دلایل گمنام ماندن آن معلوم شود. این اثر *متّم السیر فی فضیله خیر البشر* نام دارد و باینکه از نثری روان و ساده برخوردار است و موجز و مختصر نوشته شده، گمنام باقی مانده است.

#### ۲-۱. پیشینه تحقیق

نسخه خطی *متّم السیر فی فضیله خیر البشر* نسخه منحصربه‌فردی است که در قالب رساله دکتری تصحیح و تحقیق شده است. درباره سیره‌های نبوی کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی فراوانی منتشر شده، اما در موضوع این نسخه خطی تنها مقاله انتشار یافته، مقاله‌ای با عنوان «معرفی اثری ناشناخته در سیره نبوی: *متّم السیر فی فضیله خیر البشر*» (هارونی و همکاران: ۱۴۰۱) در فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی است. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، به معرفی و گزارش ارزش‌های این متن و ساختار و محتوای آن پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد این اثر، تفسیری، تاریخی، اخلاقی و اعتقادی است و در بردارنده همه وجوه زندگانی پیامبر (ص) و تاریخ صدر اسلام است که در ذکر مطالب آن به منابع مختلف همراه با نقد آن‌ها استناد شده است.

باتوجه به منحصربه‌فرد بودن و قدمت این نسخه، تحقیق در باب مشهور نشدن این اثر با توجه به اهمیت آن ضروری می‌نمود. از این رو نگارندگان با توجه به شواهد موجود و محتوای نسخه، دلایلی مبنی بر عدم شهرت این نسخه ارائه کرده‌اند که در ذیل بیان می‌گردد.

### ۱-۳. ضرورت تحقیق

جای خالی تحقیقاتی از نوع نوشتار حاضر در همه حوزه‌های علوم مشهود است. آثاری در همه حوزه‌های علوم مشهور شده و برخی نیز نه تنها با اقبال مخاطبان روبه‌رو نشده‌اند بلکه گمنام باقی مانده و چه بسا برخی از آن‌ها به دلیل مشهور نشدن از بین رفته‌اند. اگر آثاری از قبیل متمم السیر در دیگر علوم مانند تاریخ، جغرافیا، نجوم و... برای رسیدن به دلایل گمنام ماندن آن‌ها بررسی شوند، به‌طور حتم به برخی از عوامل پی خواهیم برد که مانع شهرت آن‌ها شده‌اند. سپس می‌توان این عوامل را در چند دسته مثلاً عوامل مشترک و عوامل خاص یک دوره سیاسی یا عوامل مربوط به غلبه یک جریان مذهبی و... تقسیم‌بندی کرد و در نهایت الگوهایی در این باره ترسیم کرد.

### ۲. بحث و بررسی

#### ۱-۲. معرفی متمم السیر و مؤلف آن

نگارندگان پیش از این در مقاله دیگری با عنوان «معرفی اثری ناشناخته در سیره نبوی: متمم السیر فی فضیله خیر البشر» این اثر و مؤلف آن را معرفی کرده‌اند (نک: هارونی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱-۸۳)؛ اما در ادامه برخی از مطالب گفته‌شده و ناگفته در نوشتار قبل ارائه می‌شود. مؤلف خود را در مقدمه و انجام اثر معرفی کرده و از این طریق می‌دانیم که نام وی عبدالعزیز ملقب به محیی الحصار و نام اثر وی متمم السیر فی فضیله خیر البشر است. زمان تألیف اثر نیز با استناد به مقدمه، سال ۸۲۱ است. او در مقدمه همچنین آورده است که این سیره را در دوازده روز از اول ماه ربیع الأول تا دوازدهم آن در دوازده مجلس نوشته است؛ یعنی برای هر روز یک مجلس قائل شده است. ترتیب مجالس چنین است: خلقت آدم (ع) و فرو فرستاده شدن او و حوا به زمین، ذکر نام فرزندان آدم (ع) تا زمان جد پیامبر گرامی اسلام (ص)، تولد تا بعثت پیامبر (ص)، وقعه استسقا، ذم ابولهب و همسرش، معراج پیامبر، هجرت ایشان به مدینه،

واجب شدن روزه بر امت ایشان، فریضه حج به جا آوردن پیامبر و یارانش، فتح مکه، روی آوردن اعراب به اسلام، چگونگی وفات ایشان و ذکر خلفای راشدین.

عنوان مجالس به این معنا نیست که مؤلف فقط به همان موضوع درج شده در عنوان پرداخته، بلکه او در هر مجلس، مطالب را به طور مفصل بیان کرده است؛ مثلاً در مجلسی با عنوان «فی بیان بعثته و علامتها» از زمان تولد تا بعثت پیامبر را به طور مشروح آورده است. اما وی از نظم خاصی در هر مجلس پیروی کرده است؛ بدین ترتیب که ابتدای هر مجلس پس از عنوان، خطبه‌ای عربی آورده و بعد از ترجمه آن به فارسی، یک آیه آورده و آن آیه را معمولاً با عنوان «حقائق الآیة» در راستای مطالب آن مجلس تفسیر کرده است. مؤلف سپس بدنه اصلی مجلس یعنی موضوع آن مجلس را آورده است.

ویژگی سبکی نوشتاری مؤلف سادگی و روانی است. وی متن خود را به دور از هرگونه تعقید و خالی از هرگونه اطناب و اسهاب نوشته است و معنی کلام در آن بسیار زود دریافت می‌شود؛ حتی در مقدمه اثر نیز از سجع و موازنه و آرایش‌های کلامی اثری نیست. در واقع متّم السیر به دلیل موضوعی که دارد و قصد نویسنده که بیان مطلب و شناساندن سیره پیامبر (ص) و شرح وقایع صدر اسلام است و شتاب مؤلف در تألیف آن، عاری از صنایع ادبی اعم از لفظی و معنوی و ابزارهای بیانی است.

نسخه منحصر به فرد این اثر به شماره ۲۸۵۴ در کتابخانه نور عثمانیه نگهداری می‌شود. نسخه افتادگی ندارد، اما در برخی مواقع در میان سطور به اندازه یک یا چند واژه سفید مانده است.

## ۲-۲. دلایل مشهور نشدن متّم السیر

### ۲-۲-۱. تعداد فراوان آثار با موضوع سیر النبی

تعداد فراوان آثاری که درباره پیامبر (ص) نگاشته شده، سبب شده است تا برخی از محققان فاضل چنین نتیجه بگیرند که «هیچ شخصیتی همانند حضرت محمد (ص) مورد توجه تاریخ و

نویسندگان و متفکران عالی‌قدر بشر قرار نگرفته است و درباره‌ی احدی از بزرگان و شخصیت‌های جهان این اندازه کتاب نوشته نشده است» (سبحانی، ۱۳۵۱: ۶). طبیعی است که از بین این حجم فراوان آثار، بخشی از آن‌ها موفق می‌شوند که با اقبال گسترده‌ی علاقه‌مندان و محققان و پژوهشگران روبه‌رو شوند. متمم‌السیر با اینکه در قرن نهم نگارش شده است و متأخر نیست، چنین اقبالی نیافته است.

### ۲-۲-۲. تک‌نسخه بودن

از این اثر یک نسخه شناسایی شد و در مقایسه با برخی از سیره‌ها مانند *السیره النبویه* از ابن‌هشام که بیش از ده نسخه یا ترجمه *سیره ابن‌اسحاق* که دوازده نسخه از آن تنها در کتابخانه‌های ایران وجود دارد نک: درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۸: ۶۰۹ و ۶۱۳-۶۱۴)، شمارگان کمی محسوب می‌شود. اگر تعداد بیشتری از این نسخه و به‌خصوص در ایران وجود داشت، به‌طور حتم در شناسایی و معرفی شدن آن به جامعه محققان و پژوهشگران سیره و تاریخ اسلام تأثیر فراوانی داشت. البته باید توجه داشت که شاید از این اثر چند نسخه استنساخ شده اما فقط یکی از آن نسخ به روزگار ما رسیده است که این نیز از اصل موضوع فرقی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا اگر تعداد فراوانی هم از این نسخه باقی مانده باشد، بازهم به دلیل استقبال نشدن از آن، این نسخ منهای یکی از آن‌ها از بین رفته است. به عبارت بهتر اگر از این اثر صدها نسخه هم استنساخ شده بود، بازهم در طول زمان از بین می‌رفتند.

### ۲-۲-۳. ناشناس بودن مؤلف

محبی الحصراری در مراجع رجال معرفی نشده است و نام و آوازه برخی از مؤلفان سیره همچون ابن‌هشام، سیوطی، ابن‌قتیبه، بلاذری و طبری را ندارد.

### ۲-۲-۴. نپرداختن دیگر سیره‌ها به این اثر

جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و نرم‌افزارهای سیره نشان داد نام مؤلف و اثر او در

منابع سیره‌های فارسی نیامده است.

## ۲-۲-۵. تک‌حوزه‌ای نبودن

براساس آنچه پیش از این در مقدمه درباره اقسام سیره نبوی گفته شد، متّم السّیر را نمی‌شود در یکی از این گروه‌ها جای داد. این اثر هم سیره‌ای عمومی است چون با آغاز خلقت و آفرینش آدم(ع) آغاز شده و تا دوران پس از پیامبر(ص) ادامه یافته است. همچنین به معجزات پیامبر(ص) و دلایل آن‌ها و نیز به دلایل نبوت ایشان پرداخته است. درنهایت، به شخصیت و اخلاق پیامبر نیز اشاراتی داشته است. مؤلف در مجالس آغازین، مطالب را با طول و تفصیل فراوانی عرضه کرده اما کم‌کم به ایجاز بسنده کرده است. عنوان اثر یعنی متّم بودن نیز نشان‌دهنده این چند حوزه‌ای بودن است. اگر این اثر به یک حوزه می‌پرداخت، هنگام نام بردن از آن در ذیل یکی از این اقسام نام برده می‌شد.

## ۲-۲-۶. تعصب

مؤلف این اثر اهل سنت بوده و در مواقعی با حذف مطالب مربوط به خاندان اهل بیت(ع) نشان داده که در مذهب خود تعصب داشته است. از جمله وی اشاره‌ای به واقعه مباحله یا حدیث کسا یا نقش خانواده پیامبر(ص) (اهل کسا به جز علی(ع) در وقایع مختلف و علت شهادت حضرت زهرا(س) نکرده است. همچنین قضیه خوارج را نیاورده و بدون اشاره به قرآن بر نیزه کردن و بدون نام بردن از خوارج، فقط جریان ابوموسی و عمروالعاص را به اختصار گفته است. نیز قضیه انتخاب شدن ابوموسی را دقیقاً خلاف آنچه در معتقدات شیعه آمده، نقل کرده است. وی حجة‌الوداع را با ذکر جزئیات و بیان آیه اکمال دین بیان کرده، اما از ماجرای غدیر حرفی نکرده است. عبارت «صلی الله علیه» (بدون «و آله») در جای‌جای متن نیز نشانگر تعصب اوست. به‌رحال تعصب وی مانع مشهور شدن این اثر در بین شیعه شده است.  
نمونه دیگری از تعصب او در این نقل او آمده است:

«آن سخن که گویند ارباب قصص و وعاظ که هفده نبی و هفده ولی پادشاه بوده است، آن سخن را اصلی چندان نیست» (گ: ۳۴). مؤلف *نزهة الکرام* نوشته است: «مذهب امامیان آنست که پدران رسول از عبدالله تا به آدم - علیهم السلام - جمله مسلمان بودند و این پنجاه و یک، هفده نبی مرسل بودند و هفده اوصیاء و هفده ملوک، همه پاک و مطهر» (رازی، بی تا، ج ۱: ۴۴).

### ۷-۲-۲. اشتباهات راه یافته به اثر

این اثر ارزش‌های بسیاری دارد و نقاط قوت کار مؤلف را نمی‌توان نادیده گرفت، اما مؤلف اشتباهاتی نیز دارد؛ از جمله ضبط اشتباه بسیاری از اسامی اشخاص و کتاب‌ها و مکان‌ها، ارجاعات نادرست مثلاً ارجاع غیرواقع به *الکشاف* زمخشری یا استناد به سخنی از فخر رازی، اشتباه در نسبت دادن معجزات به پیامبر و تعداد آن‌ها و... (نک: هارونی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۸ و ۸۰-۸۱). بیش از ۱۶۰ حدیث و روایت در این اثر آمده است. نگارندگان نیمی از این احادیث و روایات را بررسی کردند که در ادامه به برخی از اشتباهات مؤلف درباره آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۱-۷-۲-۲. درست ضبط نشدن برخی از اسامی

«گفت: آنک تو را زن کنم. عایشه گفت: به خدا که چون بره از در درآمد من دانستم که سید وی را بخواهد و آن حضرت نجم کتابت وی بداد و او را جویره نام کرد و آن را صدق وی کرد» (گ: ۱۵۱). جویره درست است (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۲۹۴). البته احتمال دارد تصحیف از آن کاتب باشد.

### ۱-۱-۷-۲-۲. تفاوت روایت مؤلف با آثار معتبر سیره

«در آن وقت که آن حضرت عقد خدیجه کرد از عمر وی بیست و پنج سال رفته بود علی الاصح و از عمر خدیجه چهل سال و بعضی گویند سی و پنج سال رفته بود و اول زن عتیق بن عابد بن محدومی بود و از عتیق یک دختر داشت نام وی هند و بعد از عتیق زن ابوماله بن مالک بن نباش



بن ذراده شد و از وی خدیجه را یک پسر و دو دختر آمد: هند و هاله و اسد. و بعضی گویند او زن ابوهاله بود بعد از عتیق شد و از حضرت رسالت هفت فرزند بزاد: چهار دختر و سه پسر. و بعضی گویند چهار پسر اول قاسم - و از آن جهت او را لقب ابوالقاسم آمد - بعده عبدالله بعده طیب بعده طاهر. همه در صبا چون صبا درگذشتند و یا چون عمر عزیز. و اما دختران آن حضرت زینب و رقیه و ام کلثوم و فاطمه» (گ: ۵۹پ). در *ازواج النبی* این مطلب مفصل آمده است و در برخی جزئیات با روایت مؤلف فرق دارد (ر.ک. هاشمی، ۱۴۲۵ق: ۱۱-۱۳).

و: «چون سن آن حضرت به نوزده سال رسید، ... در میان عرب حرب فجاره ثانیه واقع شد» (گ: ۵۵). مؤلف *المنتظم فی تاریخ الأمم* گفته است که بیشتر راویان آن را در بیست سالگی پیامبر می دانند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۰۸).

«در میان عرب غیر از رسول ما - علیه السلام - کسی به فصاحت و بلاغت لعیب بن غالب نبوده است و او اول کسی بود که در خطبه "اما بعد" گفت.» (گ: ۳۲پ). اوائل بسیاری در این باره نقل شده، اما نام لعیب بن غالب نیامده است.

«بعضی گویند که مراد از زیت روح حضرت محمدی ست» (گ: ۴ر). از زیت تفاسیر مختلفی بیان شده است؛ از جمله مراد از «زیتها» را محمد(ص) دانسته اند (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۸: ۲۷۵)؛ اما مطلبی که مطابق سخن مؤلف باشد، یافت نشد.

«در حدیثی دیگر می آید که حق - جلّ و علا - بیافرید در زیر عرش خود ده دریا و امر کرد مر روح سیّد المرسلین را - علیه السلام - که در آنجا درآید و عبادت حق کنند» (گ: ۸پ). ابن عباس از نه دریا نام برده، اما اشاره ای به موضوع مذکور در بالا نکرده است. نک: اسکندری، ۱۴۲۳ق: ۱۳۶).

## ۲-۷-۲-۲. یافت نشدن برخی از روایات در منابع معتبر سیره

روایات زیر در منابع نمایه شده در پایگاه های اطلاع رسانی و فهارس موضوعی سیره و تاریخ

اسلام یافت نشد:

«آن ابر بر سر [هر] دو سایه افکنده بود تا آخر دید مر ابی بکر [را] سایه بر زمین می افتاد و آن حضرت را سایه بر زمین نمی افتاد» (گ: ۵۳ر).

«بحیرای راهب سر و روی آن حضرت را بوسه داد و در وقت مراجعت گفت: أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ حَسْرَ لَوْلَدِي سِيرْنَا بِمَقْدَمِكِ الْمِيمُونَ وَ زَمَانِكَ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ» (گ: ۵۳پ).  
«از امیرالمؤمنین ابی بکر صدیق روایت کرده‌اند که چون آن حضرت در صغر سن بود، در میان اطفال درآمدی و با ایشان انواع رفق به تقدیم رسانیدی ... وَ اللَّهُ أَنْ هَذَا قَدْ خُلِقَ لِأَمْرِ عَظِيمٍ» (گ: ۵۱پ).

«از آن شیر غالب علی بن ابی طالب سؤال کردند که بنده صالح که خداوند ایشان را وعده کرده که زمین را به میراث به ایشان دهم، ایشان کیستند؟ او جواب گفت که آن کسی که صوم و صلوات و زکات و حج به جای می‌آرد» (گ: ۵۰پ).

مؤلف درباره «میراث» در آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)، نظر قشیری را آورده و نوشته است: «قشیری گوید که میراث گفت تا اشارت باشد به آنک این مقام و جاه و مال دایمی از ایشان نیز نخواهد بود زیرا که میراث مال را گویند» (گ: ۵۰پ). قشیری در لطائف الاشارات چند بار درباره این آیه بحث کرده اما مطلب بالا را نیاورده است (نک: قشیری، ۲۰۰۰، ج ۱: ۴۱۶ و ۵۲۶، ج ۲: ۱۶۶، ج ۳: ۴۷۱).

«واقدی از اشیاخ خود روایت کرده اگر کسی را کودکی باشد تندخوی، این اسم را بر وی تعلیق کنند خوش خوی شود و ممسوس جن هرگز نشود» (گ: ۴۷پ).

مؤلف در تفسیر آیه ۳۵ از سوره مبارکه نور از قول برخی از مفسران درباره آن نور نوشته است: «گویند نور عرض است و العرض ما لا یتقاربین» (گ: ۴ر). جمله اخیر در جایی یافت نشد.

«در حدیثی دیگر می‌آید که آن حضرت - صلی الله علیه و سلم - که گفت که بودم من یعنی روح من در آن عالم بر مثال مرغ سفیدی در نزد دریایی که او را بحر رحمت گویند» (گ: ۶ر). جست‌وجوی کلمات کلیدی دجاج، روحی، ابیض (بیض)، بحر، رحمة و معادل‌های فارسی آن‌ها نتیجه‌ای در بر نداشت و این روایت یافت نشد.

«ابن عباس روایت می‌کند که شنوادم من از رسول خدای که حق - تعالی - نوشت اندازه خلاق را از خیر و شر و نفع و ضرر پیش از سماوات و ارضین به پنجاه هزار سال و بیافرید» (گ: ۶پ). «خطاب خطیب کبریا در رسید: من انا و من انت ... انت خالق و ربّی و مفضّلی و عزّی و ان عبدک و ان مربوک و مکرم من عندک و حدک لاشریک لک» (گ: ۸پ، ۹ر). «در حدیثی دیگر که سید عالم - علیه‌السلام - گفت: روزی این خنگ سبز تیزگام آسمان و لوک بارکش زمین در مقام مخاصمت و مجادلت درآمدند...» (گ: ۱۱ر). «در کتب اکابر چنین یافته شده است که عزازیل - علیه‌اللعنه - نام خود را نمی‌دانست که او ابلیس است» (گ: ۱۳پ).

«حدیث که ابودردا روایت می‌کند که گفت شنوادم من از رسول خدای که می‌باید که شما با عورتان خود معاش به حد توسط کنید...» (گ: ۱۶ر). «لا اله الا الله محمد رسول الله و علی حبه و فاطمة قرّة عینه و حسن و حسین ابنها حبیبه لا اخلق مکونات الا بطفیلهم» (گ: ۱۹ر).

## ۸-۲-۲ تقدیم نشدن اثر به یکی از رجال سیاسی

مؤلف خود را پیرو خواجه بهاء‌الدین نقشبند دانسته است. او در انجام اثر نوشته است: «تمام شد کتاب متّم السیر فی فضیلة خیر البشر به تکلم واپس‌ترین خلاق و غریق در بحر عوائق و حریق در علایق: الفقیر الحقیر الأمم الراجی - عفا الله الباری - محیی‌الدین ابوالمفاخر عبدالعزیز بن زین العابدین شیخ الاسلام مرتجی‌الهمم و وکیل عصاب الامم، الواصل الی الله الصمد

خواجه شیخ محمد بن (.....) المتابعین علی ید سلطان الأفاق بالاستحقاق خواجه بهاءالدین نقشبند - روح الله ارواحهم فی اعلیٰ علیین در روز وفات سید الأولین و آخرین در تاریخ متمم السیر» (گ ۲۴۹). اما این اثر به وسیله خواجه بهاءالدین و یارانش تبلیغ نشده و مثلاً در مجالس، ملفوظات و آثار باقی مانده از ایشان یادی از این اثر نشده است (نک: پارسا، ۱۳۵۴؛ بخاری، ۱۳۷۱)؛ به ویژه که همین گرایش عرفانی مانع شده است تا مؤلف اثر خود را به یکی از شاهان وقت تقدیم کند و بدین ترتیب اثرش را از گزند آسیب در امان بدارد و یا به استقبال شدن از آن کمک کند.

### ۳. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین عاملی که در قرن نهم سبب می‌شده است تا یک اثر با استقبال عمومی روبه‌رو نشود، عامل مذهب است. محیی الحصراری در قرن نهم می‌زیسته و از محتویات کتاب مشخص است که نویسنده سنی‌مذهب است و اثر خود را بر پایه همین تعصب نوشته است. از این‌رو شیعیان که در اواخر قرن نهم در حال گسترش بودند، از آثاری از این دست استقبال نکردند. همچنین مذهب طریقتی مؤلف نیز سبب شده است تا دیگر مذاهب طریقتی آن دوران مانند چشتیه، حروفیه و... از این اثر استقبال نکنند. یکی دیگر از دلایل گمنام ماندن این اثر، هدیه ندادن آن به دربار پادشاهان برای جلوگیری از آسیب رسیدن و حمایت از آن است. همچنین این اثر تک‌نسخه است و با جست‌وجو در منابع هیچ اطلاعاتی از مؤلف پیدا نشد. بنابراین تبلیغ نشدن یک اثر به دلیل گرایش‌های مذهبی و طریقتی مؤلف را می‌توان عامل اصلی گمنام و مهجور ماندن یک اثر به حساب آورد.

## منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه بهاء‌الدین خرّم‌شاهی. تهران: دوستان.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۱۲). *المنتظم فی تاریخ الأمم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن هشام، عبدالملک. (بی تا). *السیره النبویه*. ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.
۴. اسکندری، ابن عطاءالله. (۱۴۲۳). *عنوان التوفیق*. حلب: دارالغزالی.
۵. بخاری، صلاح. (۱۳۷۱). *انیس الطالبین و عدّة السالکین*. تصحیح صاری اوغلی. تهران: کیهان.
۶. پارسا، خواجه محمد. (۱۳۵۴)، قدسیه. تصحیح احمد طاهری عراقی. تهران: کتابخانه طهوری.
۷. درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). *فنخا*. تهران: کتابخانه ملی ایران.
۸. رازی، محمد بن حسین. [بی تا]. *نزهة الکرام*. به اهتمام محمد شیروانی. تهران: بی نا.
۹. سبحانی، جعفر. (۱۳۵۱). *فروغ ابدیت*. قم: دارالتبلیغ.
۱۰. قشیری، عبدالکریم. (۲۰۰۰). *لطائف الاشارات*. قاهره: هیئة المصریة العامه للکتاب.
۱۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۸). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. محیی الحصارى، عبدالعزیز. (۸۴۴). *متمم السیر فی فضیلة خیر البشر*. شماره ۲۸۵۴ کتابخانه نورعثمانیه.
۱۳. هارونی، معصومه، نیازى، شهرزاد، چترایی، مهرداد، و خراسانی، محبوبه. (۱۴۰۱). «معرفی اثری ناشناخته در سیره نبوی: متمم السیر فی فضیلة خیر البشر»، فصلنامه متن شناسی ادب فارسی. شماره ۳ (پیاپی ۵۵)، ۷۱-۸۳.
۱۴. هاشمی، عبدالمنعم. (۱۴۲۵). *ازواج النبی*. کویت: مکتبه ابن کثیر.